

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

چالش غفلت از آرمان های مهدویت

نصرت الله آیتی^۱

چکیده

اعتقاد به اندیشه مهدویت به معنای باور به تحقق حکومت عدل جهانی، غلبه اسلام بر همه ادیان، توسعه عبودیت، ریشه کن شدن بدعت ها و... است و انتظار مؤمنان برای ظهور امام مهدی عج بایستی انتظار برای تحقق چنین آرمان هایی باشد اما گاه منتظران از این آرمان ها غافل شده و به جای این که چشم انتظار ظهور مهدی موعود عج برای تحقق آرمان هایی از این دست باشند چشم به راه او برای گشایش در زندگی مادی و رنگین شدن هر چه بیشتر سفره ها هستند و این همان غفلت از آرمان های مهدویت است که می تواند در مسیر پویایی و حرکت آفرینی اندیشه مهدویت چالش آفرین باشد. آن چه می تواند خاستگاه و ریشه غفلت یاد شده باشد عواملی هم چون غفلت از استعدادها و غفلت از جایگاه امام و دنیا طلبی است. در مقاله پیش رو برخی از ابعاد مسئله یاد شده کاویده خواهد شد.

واژگان کلیدی

امام مهدی عج، انتظار، چالش های مهدویت، غفلت از آرمان های مهدویت.

۱. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
(.ayati110@yahoo.com)

مقدمه

اندیشه سترگ مهدویت با همه ظرفیت‌هایش و با تمام نقش‌ها و کارکردهایی که در حوزه فرد و جامعه، فرهنگ و سیاست، اخلاق و تربیت و... داشته و دارد پیوسته از ناحیه چالش‌ها و آسیب‌های متعددی تهدید می‌شده است و پویایی و کارایی این باور بی‌همتا زمانی تضمین می‌شود که چالش‌های موجود و نیز چالش‌های محتملی که در آینده وجود خواهند داشت شناسایی شده و برای مواجهه درست با آن چاره‌اندیشی شود یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در این عرصه غفلت از آرمان‌های مهدویت است در نوشتار پیش رو کوشیده خواهد شد برخی از ابعاد مطلب یاد شده واکاوی شود.

چالش

در لغت برای واژه چالش معانی متعددی هم‌چون زد و خورد، جدال، تلاش و کشتی (دهخدا، ۱۳۷۷ش: واژه چالش) برشمرده شده است در اصطلاح نیز برای آن تعریف متعددی بیان شده است به عنوان نمونه در تعریف آن چنین گفته شده است:

شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد. (ذوعلم، ۱۳۸۴ش: ۶)

اما مقصود ما از چالش در این جا هر چیزی است که اندیشه‌ها، نیروها و امکانات جامعه یا فرد را درگیر می‌کند و در راه رسیدن به آرمان‌ها مانع ایجاد کرده و رسیدن به آن را دشوار می‌نماید، بنابراین اولاً آسیب‌ها و افت‌هایی که در راه رسیدن به هدف وجود دارند اما به اندازه‌ای حاد و تأثیرگذار نیستند که آثار خود را بروز دهند و جامعه و فرد را از دستیابی به اهدافش باز دارند چالش محسوب نمی‌شوند و ثانیاً در حوزه جامعه آسیب‌هایی که فراگیر نیستند و کلیت جامعه را درگیر نمی‌کنند نیز در زمره چالش‌ها قرار نمی‌گیرند.

غفلت

غفلت در لغت به معنای غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم توجه به آن^۱ و مقابل تذکر است.^۲

۱. «الغفلة: غيبة الشيء عن بال الإنسان و عدم تذكرة له». (فیومی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ۴۴۹)
۲. «و التحقیق أن الأصل الواحد في المادّة: هو ما يقابل التذکر». (مصطفوی، ۱۳۶۵ش: ج ۷، ۲۴۶)

این مطلب که غفلت در مقابل ذکر است از استعمالات قرآنی نیز قابل برداشت است (طباطبائی، بی تا: ج ۱، ۳۳۹) به عنوان نمونه می توان به این آیه اشاره کرد:

﴿وَلَا تَطْعَمَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا...﴾ (کهف: ۲۸).

بنابراین غفلت رتبه ای پس از علم دارد آدمی پس از این که با هدایت ها از جهل درآمده و به علم رسید وقتی به آن چه می داند پشت کرد و نسبت به آن بی توجه شد وارد وادی غفلت شده است این عدم توجه که امری ذهنی است گاه تنها در فضای ذهن باقی می ماند و گاه آثار عینی نیز از خود به جای می گذارد و اگر به این اثر غفلت گفته می شود به دلیل آن است که این اثر مسبوق به غفلت در قلب و ذهن و نتیجه آن است.

از آیات قرآن چنین برمی آید که غفلت یکی از مهلک ترین خطراتی است سلامت حیات انسانی را تهدید می کند و آدمی را از مقام شریف انسانیت به رتبه حیوان بلکه پست از آن تنزل می دهد:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹)

ما بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل هایی دارند که با آن چیزی درک نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند. آنها هم چون چهارپایانند، بلکه بدترند. آنها همان غافلانند.

آرمان های مهدویت

مقصود از آرمان های مهدویت اهداف و آرمان هایی بزرگی هم چون تحقق حکومت عدل جهانی، توسعه عبودیت و... است که خداوند متعال امام مهدی علیه السلام را برای تحقق آن ها در فرجام تاریخ ذخیره نموده است.

غفلت از امام زمان علیه السلام و گونه های آن

یکی از مهم ترین و شایع ترین آسیب هایی که در عصر غیبت مؤمنان را تهدید می کند غفلت از امام زمان علیه السلام است این آسیب از این جهت در این دوران نمود بیشتری دارد که به دلیل پنهان زیستی امام زمان علیه السلام مؤمنان از دیدار آن حضرت محرومند و به همین دلیل به مقتضای مثل معروف از دل برود هر آن چه از دیده برفت جریان غفلت از آن عزیز فراگیرتر و شتابنده تر می شود و از همین رو در ادعیه عصر غیبت بر پرهیز از آن تاکید شده است:

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ
وَالْإِيمَانَ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَقْطِنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ
ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ ﷺ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ
وَتَنْزِيلِكَ... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۳).

غفلت یاد شده در عصر غیبت چنان شایع می‌شود که براساس پاره‌ای از روایات لقب قائم
برای امام زمان علیه السلام اشاره به همین آسیب دوره غیبت دارد.
از امام جواد علیه السلام در این باره چنین روایت شده است:

إن الإمام بعدی ابنی علی، أمره امری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه
الحسن، أمره أمرأبیه وقوله قول أبیه وطاعته طاعة أبیه، ثم سکت. فقلت له: یا ابن
رسول الله ﷺ فمن الإمام بعد الحسن؟ فبکی علیه السلام بکاء شديدا، ثم قال: إن من بعد الحسن
ابنه القائم علیه السلام بالحق المنتظر. فقلت له: یا ابن رسول الله ﷺ لم سمی القائم؟ قال: لأنه
يقوم بعد موت ذكره وارتداد أكثر القائلین بإمامته... (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۷۸).

غفلت از امام زمان علیه السلام و یا به تعبیر دقیق‌تر غفلت‌هایی که در ارتباط با امام زمان علیه السلام است
می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد که برخی از آنها بدین قرارند:

۱. غفلت از وجود مبارک امام زمان علیه السلام

نخستین غفلتی که در ارتباط با امام زمان علیه السلام متصور است غفلت از وجود مقدس آن حضرت
است به این معنی که مؤمنان در عصر غیبت به دلیل این که آن حضرت را زیارت نمی‌کنند و
توفیق مواجهه حضوری با آن حضرت را ندارند آرام آرام در مشغولیت‌های زندگی چنان غرق
شوند که نه تنها تمنای وصال آن حضرت را ندارند بلکه یاد و خاطر آن عزیز از اذهان و
قلوب‌شان پاک شود و گاه چنان زندگی کنند که گویی اساساً هیچ‌گاه امامی نداشته‌اند.

۲. غفلت از حقوق امام زمان علیه السلام

دومین غفلتی که در ارتباط با آن حضرت قابل تصویر است غفلت از حقوق آن حضرت و
وظائف و مسئولیت‌هایی است که مؤمنان در برابر امام خود بر عهده دارند. در این نوع از غفلت
چه بسا آدمی توجه به امام خود داشته باشد اما نسبت به این واقعیت که در برابر امام خود
مسئولیت‌هایی بر عهده دارد که باید در انجام آن بکوشد غافل می‌شود.

۳. غفلت از دشمنان

غفلت از دشمنان امام مهدی علیه السلام یکی دیگر از انواع غفلت‌های مورد بحث است. این
واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که پیوسته در کنار جریان حق جریان باطلی حضور داشته که با آن

در ستیز بوده و همه توان خود را برای شکست یا حداقل کاستن از گسترش و تاثیرگذاری آن به کار گرفته است و در برهه آخرالزمان که عصر ولایت امام مهدی علیه السلام است و آن حضرت رهبری جبهه حق را برعهده دارند نوک پیکان این دشمنی‌ها و ستیزه‌جویی‌ها به سمت آن حضرت و اهداف و آرمان‌های آن امام عزیز است بنابراین غفلت دیگری که در ارتباط با آن حضرت متصور است غفلت از دشمنان امام مهدی علیه السلام و طرح و برنامه‌های آنان برای مقابله با شخص امام و اهداف و آرمان‌های ایشان است.

۴. غفلت از مبانی

اندیشه مهدویت مبتنی بر مبانی متعددی است اعتقاد به تشکیل جامعه‌ای مومن و موحد در گستره جهان در نهایت تاریخ توسط امامی معصوم و منصوب از ناحیه خداوند ریشه در تلقی خاصی از هستی، جامعه و انسان دارد و این مبانی هستی‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه ویژه هستند که ضرورت وجود چنین جامعه‌ای را توضیح می‌دهند. بنابراین یکی دیگر از غفلت‌هایی که در خصوص امام مهدی علیه السلام متصور است بریدن اندیشه مهدویت از این ریشه‌ها و غفلت از این مبانی است.

۵. غفلت از آرمان‌های امام مهدی علیه السلام

از دیگر انواع غفلت مربوط به امام مهدی علیه السلام غفلت از آرمان‌ها و اهداف آن حضرت است. آرمان‌هایی که خداوند حکیم مهدی موعود علیه السلام را برای تحقق آن ذخیره کرده است و آن حضرت به عنوان آخرین حلقه از حلقات سلسه ولایت و امامت این رسالت سترگ را برعهده دارد که با همراهی و مجاهدت منتظران و پیروان راستین خود اهداف و آرمان‌های مورد نظر را محقق نماید. از این رو یکی دیگر از آسیب‌هایی که سلامت حیات مؤمنانه منتظران را تهدید می‌کند غفلت از همین آرمان‌هاست.

مقاله پیش‌رو ابتدا تبیینی از چرایی چالش بودن غفلت از آرمان‌ها انجام خواهد پذیرفت و در ادامه به برخی از ریشه‌های آن پرداخته خواهد شد.

چالش غفلت از آرمان‌ها

آرمان‌ها موتور محرکه زندگی انسان‌ها هستند و در حرکت و پویایی حیات فردی و جمعی انسان‌ها نقش بی‌بدیلی برعهده دارند وقتی انسان و یا جامعه هدف بلندی را برای خود برمی‌گزیند شوق دست‌یابی به آن انگیزه‌های او را برای حرکت و اقدام تحریک می‌کند و به میزانی که آن آرمان بلند باشد قدم‌های او استوارتر و عزم او برای دست‌یابی به آن پایرجاتر

می‌شود و از آن سو وقتی آرمانی در زندگی وجود نداشته باشد عشق و شوقی برای رسیدن به آن در دل نمی‌نشیند و انگیزه‌ای برای حرکت وجود نخواهد داشت بر همین اساس فرد و جامعه زنده و پویا فرد و جامعه‌ای است که از آرمان بلندی برخوردار باشد و در مسیر دستیابی آن به تلاش و تکاپو رو آورد اگر فرد یا جامعه از آرمان درخور تهی باشد و یا فقط از آرمان‌های بلندش سخن بگوید اما در مقام عمل برای تحقق آن کوششی از خود نشان ندهد از حیات، پویایی و نشاط بی‌بهره خواهد بود و انگیزه‌ای برای حرکت، تغییر و تکامل نخواهد داشت و به جای ترقی و رشد به سکون و رکود دچار خواهد شد و انرژی و قدرت و توانش به هدر خواهد رفت و سرانجامی جز انحطاط و زوال در انتظارش نخواهد بود و این سرانجام نامیمون برای فرد و جامعه هدفداری که عزمی راسخ برای حرکت در مسیر اهدافش ندارد نیز وجود خواهد داشت. بر این اساس هر چیزی که باعث اختلال در هدفداری و یا تلاش او در مسیر هدف گردد و هر دو یا یکی از این دو رکن اساسی را تضعیف نماید عامل رکود و انحطاط و چالشی در مسیر تعالی خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین عواملی که موجبات اختلال در هدفداری فرد و جامعه و تلاش در مسیر هدف را فراهم می‌کند غفلت از اهداف و آرمان‌هاست وقتی افراد جامعه از آرمان‌های بلندی که در آغاز برای خود در نظر گرفته بودند غافل می‌شوند و دل‌مشغولی‌های بی‌ارزش و دغدغه‌های بی‌مقدار ذهن و روان آنها را تسخیر می‌کند و در نتیجه به جای آن که نیروی خود را در مسیر آرمان‌های بلندشان به جریان بیاورند آن را برای اهداف دون مصرف می‌کنند چنین جامعه‌ای در مسیر انحطاط گام برخواهد داشت و در چنبره چالشی خطرناک گرفتار خواهد بود. چنین جامعه‌ای را می‌توان به تیمی ورزشی تشبیه کرد که پس از مدت‌ها تلاش طاقت‌فرسا و انجام تمرین‌های دشوار برای انجام مسابقه‌ای مهم رنج سفری طولانی را به جان خریده و به کشوری دور دست سفر کرده است اما اعضای تیم به جای آن که هم و غمی جز پیروزی بر حریفان نداشته باشند به تفرج و تفریح می‌پردازند و در نهایت با پذیرش شکست در برابر حریفان ارزش‌های خود و ملت‌شان را به باد فنا می‌دهند.

مهدویت و چالش غفلت از آرمان‌ها

براساس آن چه گذشت یکی از چالش‌های مهم عصر غیبت که می‌تواند بستر لغزش و انحراف منتظران امام مهدی عجله الله تعالی فرجه را فراهم نماید غفلت از آرمان‌های نهفته در اندیشه مهدویت است. اندیشه مهدویت و اعتقاد به امام مهدی عجله الله تعالی فرجه به معنای باور به برپایی حکومت عدل

جهانی در پایان تاریخ است حکومتی که در آن تمام فضیلت‌ها و ارزش‌ها در گسترده‌ترین شکل خود و با عمیق‌ترین صورت ممکن در پهنه گیتی گسترده خواهد شد بنابراین باور به ظهور امام مهدی علیه السلام به معنای باور به تحقق مجموعه وسیعی از آرمان‌های الهی در نهایت تاریخ است پاره‌ای از آرمان‌های یاد شده بدین قرارند.

۱. تشکیل حکومت جهانی به رهبری امام مهدی علیه السلام

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» چنین روایت شده است:

إن هذه مخصوصة بصاحب الامر الذي يظهر في آخر الزمان، ويبعد الجبارة والفرعنة، ويملك الأرض شرقاً وغرباً. (کورانی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ۳۲۴)

۲. غلبه اسلام بر همه ادیان

محمد بن الفضیل، می‌گوید از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» پرسیدم فرمودند:

يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۳۲).

۳. توسعه عبودیت

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (نور: ۵۵)

۴. ریشه کن کردن بدعت‌ها و احیاء ارزش‌ها

امام باقر علیه السلام فرمودند:

ولا يترك بدعة إلا أزلها، ولا سنة إلا أقامها. (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۵)

و امام علی علیه السلام فرمودند:

يجي ميت الكتاب والسنة. (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۸)

۵. گسترش عدالت فراگیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

إن علی بن ابی طالب علیه السلام إمام امتی و خلیفتی علیها من بعدی، ومن ولده القائم المنتظر الذي يملأ الله به الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً... (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۲۸۷-)

۲۸۸.

۶. اصلاحات فراگیر

از امام علی علیه السلام چنین روایت شده است:

الفتن أربع: فتنه السراء، وفتنة الضراء، وفتنة كذا - فذكر معدن الذهب - ثم يخرج رجل من عترة النبي يصلح الله على يديه أمرهم. (سید بن طاوس، ۱۴۱۶ق: ۶۹)

۷. رفع اختلافات و منازعات

عمیره بنت نفیل می گوید از حسین بن علی علیه السلام شنیدم که فرمودند:

لا يكون الأمر الذي تنتظرونه حتى يبرأ بعضكم من بعض، ويتفل بعضكم في وجوه بعض، ويشهد بعضكم على بعض بالكفر، ويلعن بعضكم بعضاً. فقلت له: ما في ذلك الزمان من خير؟ فقال الحسين علیه السلام: الخير كله في ذلك الزمان، يقوم قائمنا ويدفع ذلك كله (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۳).

آن چه گذشت پاره ای از ارزش ها و آرمان های نهفته در اندیشه مهدویت بود و باور به ظهور امام مهدی علیه السلام به معنای اعتقاد به تحقق چنین آرمان هایی در پایان تاریخ است. در قرآن کریم و احادیث پیشوایان معصوم از آرمان های یاد شده سخن گفته شده است و در پاره ای از موارد با بیانات متعدد بر آن ها تاکید شده است و به منتظران تعلیم و توجه داده شده است که باور به امام مهدی علیه السلام به معنای اعتقاد به تحقق چنین اهداف بلندی است و مؤمنان بایستی پیوسته متوجه و متذکر به این آرمان ها باشند و مقدمات تحقق آن را فراهم نمایند که البته مع الاسف در عصر غیبت همه یا بیشتر این آرمان ها به فراموشی سپرده می شوند و بسیاری از منتظران به جای آن که منتظر ظهور امام مهدی علیه السلام برای تحقق چنین آرمان های الهی و ارزش های انسانی باشند دغدغه ای جز رونق یافتن معیشت دنیوی و برطرف شدن رنج ها و اندوه های مربوط به امور زندگی ندارند و حتی اگر نسبت به آرمان عدالت توجه داشته باشند عدالت را به عدالت اقتصادی و امور سطحی فرو می کاهند.

غفلت از این آرمان ها به این دلیل چالشی فراروی زندگی مؤمنان در عصر غیبت است که اولاً این غفلت فراگیر و شایع است و حتی بسیاری از مؤمنانی که از وجود مقدس امام مهدی علیه السلام و حقوق آن حضرت غافل نیستند از آرمان های مهدویت غافلند و بیش از آن که دغدغه تحقق آرمان های امام مهدی علیه السلام را داشته باشند و انتظارشان از ظهور امام مهدی علیه السلام انتظار تشکیل حکومت عدل جهانی و گسترش عبودیت و احیاء ارزش ها و ریشه کن شده بدعت ها و... باشد



چشم به راه گشایش در امور زندگی شخصی خود هستند. و ثانیاً وقتی که مهدویت با چنین آرمان‌هایی همراه است تحقق این آرمان‌ها نیازمند سه گام است: گام نخست فراهم کردن آمادگی‌هایی متناسب با آرمان‌های مورد نظر است؛ گام دوم رو آوردن به تلاش‌هایی است متناسب با این آرمان‌های بلند؛ گام سوم عبارت است از شناخت فراز و فرودها و آسیب‌هایی که در مسیر شکل‌گیری این اهداف سترگ است وجود دارد و چاره‌جویی برای عبور از آن. در حالی که اگر منتظران از این آرمان‌ها غافل شوند نه برای دستیابی به آن‌ها مهیا خواهند شد و نه به اقدام و عملی متناسب رو خواهند آورد و نه به شناختی درست از آسیب‌های مسیر خواهند رسید و بلکه حتی به شناخت درستی از دشمنان این اندیشه نیز دست نخواهند یافت چرا که دشمنان مهدویت با اهداف و آرمان‌های مهدویت دشمنی می‌کنند و وقتی فهم درستی از این آرمان‌ها و اهداف وجود نداشته باشد به عمق دشمنی‌ها و طرح و برنامه‌های آنان نمی‌توان پی برد. بر این اساس از آن‌جا که چالش چیزی است که توان‌مندی‌ها و امکانات را درگیر می‌کند و در راه رسیدن به آرمان‌ها مانع ایجاد می‌کند غفلت از آرمان‌ها چالش محسوب خواهد شد.

به تعبیر دیگر هم چنان که گذشت آن‌چه موتور محرکه حیات فردی و جمعی انسان است آرمان‌های زندگی است که باعث می‌شود آدمی هر چیزی که مقدمه و زمینه دست‌یابی به آن آرمان است را فراهم کند و به هر اندازه که حصول آن آرمان نیاز دارد تلاش نماید و آسیب‌ها و مشکلات مسیر را شناخته و اسباب مواجهه درست با آن را فراهم نماید و از آن‌جا که غفلت از آرمان‌ها موجب خاموش شدن آن موتور محرکه و در نتیجه تعطیلی جریان آمادگی و تلاش و در نتیجه مسدود شدن مسیر دست‌یابی به اهداف است از چنین غفلتی به عنوان چالش یاد می‌شود و به همین دلیل از میان انواع غفلتی که درباره امام مهدی علیه السلام متصور است از غفلت از آرمان‌ها به عنوان چالش یاد شد چرا که توجه به امام مهدی علیه السلام و حقوق آن حضرت اگر با توجه به آرمان‌ها و اهداف آن حضرت همراه نباشد به آمادگی‌های لازم و تلاش‌های بایسته منجر نخواهد از همین رو بسیاری از منتظران امام مهدی علیه السلام وجود دارند که در هیاهوی زندگی یاد و خاطر ایشان را فراموش نمی‌کنند و به آن عزیز توجه دارند و مدام ذکر آن حضرت را بر لب جاری می‌کنند و با دعای برای ظهور آن حضرت و دادن صدقه به نیت سلامتی آن عزیز و حضور در دعای ندبه و مانند آن و شرکت در مراسم‌هایی که به یاد آن حضرت برگزار می‌شود و... به ظاهر تکالیف خود در قبال آن حضرت را انجام می‌دهند اما با این وجود برای کسب آمادگی‌هایی که حکومت معصوم بدان نیاز دارد و ظرفیت‌هایی که برای برداشتن بار امام نیاز است تلاشی نمی‌کنند و در مسیر تحقق آرمان‌های امام گامی بر نمی‌دارند و پیوسته آسیب‌ها و

مشکلاتی که در این مسیر وجود دارد آنان را می‌آزارد در صورتی که اگر به آرمان‌های مهدویت توجه می‌کردند وضعیت به گونه‌ای دیگر بود این نشان از آن دارد که آن چه در این میان نقش اساسی را بر عهده دارد و موجبات پویایی جامعه می‌شود توجه نسبت به آرمان‌هاست و نیز آن چه چالشی فراروی مؤمنان در عصر غیبت است غفلت از همین آرمان‌هاست.

این نکته افزودنی است که غفلت از آرمان‌های مهدویت به دو صورت متصور است غفلت از نفس آرمان‌ها و غفلت از نسبت‌ها. در شکل نخست به دلیل توجه بیش از اندازه به امور بی‌ارزش دنیوی منتظران از آرمان‌های مهدویت غافل شده و آن‌ها را از یاد می‌برند و در شکل دوم چه بسا توجه نسبت به اصل آرمان‌ها وجود داشته باشد اما آن چه مورد غفلت قرار می‌گیرد رابطه و نسبتی است که این آرمان‌ها با زندگی انسان دارند به تعبیر دیگر گاهی مؤمن منتظر نسبت به این که اندیشه مهدویت متضمن باور به تشکیل حکومت عدل جهان‌شمولی است که در آن اسلام بر همه ادیان غلبه می‌یابد و ارزش‌های الهی در آن گسترده می‌شود و بدعت‌ها از میان می‌روند و انسان‌ها خداوند را به حقیقت پرستش می‌کنند و... معرفت و توجه دارد و نه آن را به فراموشی سپرده و نه از آن غافل است اما از این که رابطه این آرمان‌ها با زندگی او چیست و او چه نسبتی با این آرمان‌ها دارد و نقش او در تحقق آنها چیست و چه مسئولیت‌هایی در این باره بر عهده دارد غافل است.

و می‌توان چنین ادعا کرد که شایع‌ترین غفلتی که هم در عرصه مهدویت و هم سایر عرصه‌ها دامن‌گیر مؤمنان است همین نوع غفلت است به عنوان نمونه مسئله مرگ و روز واپسین یکی از مسائلی است که آدمی در مناسبت‌ها و موقعیت‌های متعددی نسبت به آن متوجه و متذکر می‌شود موقعیت‌ها و مناسبت‌هایی هم چون مجالس و عظ و مرگ دوستان و آشنایان و گذر از قبرستان و دیدن تشییع جنازه در کوی و برزن و... چنین موقعیت‌هایی مدام در انسان یاد مرگ را زنده می‌کند اما یکی از مهم‌ترین خلاءهایی که موجب می‌شود این توجه‌ها و تذکرها تأثیرگذار نباشند آن است که آدمی از نسبت میان یاد مرگ و زندگی خود غافل است و نسبت به تأثیری که این توجه در نحوه نگرش و رفتار و اخلاقش بایستی بر جای بگذارد بی‌توجه است غفلت از آرمان‌های مهدویت نیز عمدتاً به همین صورت است به عنوان نمونه عدالت یکی از آرمان‌های مهدوی است و چه بسا اگر منتظران تنها به یک آرمان معرفت و توجه داشته باشند همین آرمان است اما با این وجود غالباً در نظر آنان عدالت آرمانی است مربوط به آینده که در زندگی امروز آنان نقشی ندارد و ضرورتی برای جریان بخشیدن آن در شئون مختلف زندگی وجود ندارد و میان تحقق عدالت مهدوی و عملکرد امروزی آنان نسبتی برقرار نیست و حتی اگر چنین



نسبتی وجود داشته باشد و کسانی بایستی با تلاش در مسیر احیاء عدالت و مبارزه با بی‌عدالتی زمینه‌های تحقق عدالت فراگیر را فراهم کنند و این بار بر زمین مانده را بر دوش بکشند این مسئولیت متوجه دیگران است.

ریشه‌های غفلت

هم‌چنان که گذشت باور به مهدویت به معنای اعتقاد به تحقق مجموعه‌ای از آرمان‌های ارزشمند در پایان تاریخ است این آرمان‌ها عمدتاً آرمان‌هایی معنوی، اخلاقی و ارزشی هستند اما در عین حال آن‌چنان که در روایات تبیین شده است در حکومت عدل مهدوی زندگی مادی انسان‌ها نیز به بهترین وجه خود سامان خواهد یافت نزول برکات آسمان و زمین و عیان شدن گنج‌های زمین و برکت و رونق یافتن کسب و کار و... همه موجبات توانگری انسان‌ها می‌شود تا آن‌جا که فقیری برای پرداخت زکات یافت نمی‌شود و هم‌چنان که پیش از این گذشت بسیاری از منتظران مهدویت را از منظر همین گشایش‌های مادی می‌بینند و چشم انتظار تحقق این بخش از آرمان‌های مهدویت‌اند و نسبت به سایر آرمان‌های مهدویت غفلت می‌ورزند و حتی اگر نسبت به آرمان عدالت توجه و تذکر دارند تصورشان از عدالت تصور حداقلی است و از آن عدالت در امور جزئی زندگی و اقتصادی فهم می‌کنند پرسش قابل توجهی که در این باره قابل طرح است این است که ریشه‌های غفلت یاد شده کدامند و چه عوامل و زمینه‌هایی باعث بی‌توجهی به این بخش از آرمان‌ها می‌شوند. در بررسی ریشه‌های غفلت یاد شده می‌توان عواملی برشمرد.

۱. غفلت از استعدادها و ظرفیت‌های وجودی

امکانات و ظرفیت‌ها پیوند وثیقی با اهداف و آرمان‌ها دارند آدمی در حیات خود به اندازه امکاناتش هدف‌گذاری و آرمان‌گزینی می‌کند وقتی که انسان از داشته‌های خود تلقی حداقلی داشته باشد به آرمان‌های کوتاه بسنده می‌کند و وقتی بر این باور باشد که ظرفیت‌ها و استعدادهایش فوق‌العاده است آرمان خود را رسیدن به قله‌هایی در همان حد و اندازه قرار می‌دهد بنابراین یکی از ریشه‌های غفلت از آرمان‌های بلند این است که آدمی از استعدادها و ظرفیت‌های خود غافل شود و به همین دلیل قرآن کریم از غفلت از استعدادها و به کار نگرفتن آن‌ها به عنوان یکی از ریشه‌های غفلت به صورت مطلق آن یاد کرده است.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ

بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أَوْلِيكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلِيكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹):

ما بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها دارند که با آن چیزی درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند. آنها هم چون چهارپایانند، بلکه بدترند. آنها همان غافلانند.

بر این اساس می‌توان گفت یکی از ریشه‌های غفلت از آرمان‌های بلند مهدویت و فروکاستن آن به گشایش در امور مادی و عدالت اقتصادی غفلت از استعدادهای آدمی است. آدمی در حوزه فردی می‌تواند به اندازه‌ای از تکامل برسد که همنشین ملائک و بلکه مسجود آنان قرار بگیرد و به مقام خلیفه الهی رسیده و به حدی از قرب الهی باریابد که خداوند چشم‌بینا و گوش‌شنوا و زبان‌گویا و دست‌توانایش گردد (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۲، ۲۳۵) و از نظر اجتماعی می‌تواند جامعه‌ای تشکیل دهد که اعضای آن را صالحان تشکیل داده^۱ و آموزه‌های دینی در تمام روابط آن حکمفرما باشد و در آن خداوند به حقیقت پرستیده شود و ذره‌ای شرک بدو ورزیده نشود.^۲ وقتی آدمی از این که مستعد باریافتن به چنین اوجی است غفلت نمود به جای آن که رسیدن به چنین قله‌هایی را آرمان خود قرار دهد دغدغه‌اش در حد سامان یافتن امر معیشت و امثال آن خواهد بود.

۲. غفلت از جایگاه امام

یکی دیگر از ریشه‌های غفلت از آرمان‌های بلند مهدویت غفلت از جایگاه واقعی امام است. امامت از منظر شیعه ریاست عامه در امر دین و دنیاست (طوسی، بی‌تا: ۱۰۳) و امام از یک سو مسئول مدیریت زندگی مادی انسان‌هاست تا حیات مادی آنان به بهترین وجه آن سامان یابد به صورتی که هرکسی بتواند در سایه تلاش خود از نعمت‌های الهی بهره‌مند گردیده و از زندگی شرافت‌مندانه‌ای برخوردار شود و کسی حق دیگری را ضایع نکند و بر دیگران تعدی و ستم روا ندارد و... از سوی دیگر امام ضامن سعادت اخروی بشر نیز هست و اساساً از آن‌جا که از یک سو حیات مادی انسان در قیاس با حیات ابدی‌اش هم‌چون ذره‌ای در برابر بی‌نهایت است و از سوی دیگر دنیا مزرعه آخرت است امام که مسئول سامان دادن حیات مادی انسان‌هاست آن را

۱. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (انبیاء: ۱۰۵)
۲. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾. (نور: ۵۵)

به گونه‌ای سامان می‌دهد که از طریق آن سعادت ابدی تحصیل شود بنابراین تمامی تلاش‌های امام برای مدیریت هرچه بهتر زندگی مادی انسان‌ها معطوف به تأمین فلاح و رستگاری انسان در حیات جاودانه است.

از آن چه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که آن دسته از منتظرانی که چشم به راه آمدن مهدی عج هستند تا با آمدنش در زندگی مادی به گشایش برسند از امام و جایگاه او و کارکردهایش غافلند. در نگاه اینان امام برای سامان دادن زندگی مادی انسان‌ها و مسئول برقراری عدالت مادی و اقتصادی است تا کسی به دیگری ستم نکند و حق او را به ظلم نستاند. اما اگر امام در گستره هستی مطرح باشد و امام جلودار قافله بشریت برای رساندن آن به حیات طیبه دنیوی و اخروی باشد آن چه از او توقع خواهد رفت نقش‌آفرینی در چنین وسعتی خواهد بود و چشم‌انتظاری او چشم به راهی برای تحقق چنین آرمانی خواهد بود.

۳. دنیاخواهی

غفلت نتیجه عدم تمرکز است و عدم تمرکز، به خاطر توجه به اهمیت‌هایی است که ذهن را به خود می‌کشند و در خود می‌برند. ذهن انسان سراغ اهمیت‌ها را می‌گیرد و به آن توجه می‌کند. (صفائی حائری، ۱۳۸۴ ش: ۱۳۴) اگر به صورت طبیعی انسان نسبت به آن چه برایش مهم است توجه و تذکر دارد و از آن چه برایش بی‌اهمیت است غافل است وقتی عشق به دنیا در دل انسان جای گرفت و در نظر او زیبا و مهم جلوه کرد و به تعبیر ادعیه به هم بزرگ او تبدیل شد خود به خود تمام توجه او به آن سو متمایل خواهد شد و از غیر آن که در نظرش بی‌اهمیت و بی‌مقدار است غفلت خواهد ورزید چنین انسانی حتی آن جا که برای آینده خود هدف و آرمانی برمی‌گزیند و برای دستیابی به آن به تلاش رو می‌آورد آرمانش از چاقوب آرمان‌های دنیوی فراتر نخواهد رفت و حتی اگر دین از این آینده خبر داده باشد و انگیزه‌های دینی باعث اعتقاد به چنین آینده‌ای شده باشد باز انسان دنیاطلب از این آینده تفسیری دنیایی خواهد کرد و آن را در غالب تنگ دلمشغولی‌های دنیوی خود خواهد ریخت و از این رو چشم‌انتظاری او از ظهور مهدی موعود عج چشم‌انتظاری برای آباد شدن دنیا و رنگین شدن سفره خواهد بود.

بنابراین یک دیگر از عواملی که موجب غفلت از آرمان‌های بلند مهدویت و تنزل آن به گشایش در امورات حیات دنیوی است دنیاطلبی است.

بحث از پیامدهای این غفلت و راه‌های درمان آن را باید در نوشته‌ای مستقل پی گرفت.

۱. «ولا تجعل الدنيا اكبر همنا». (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۵۶۷)

منابع

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ذوعلم، علی، تأملی در مفهوم چالش، ماه نامه زمانه، شماره ۳۶، شهریور ۱۳۸۴ ش.
- سید ابن طاووس، الملاحم والفتن، اصفهان، مؤسسة صاحب الأمر علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۵ ق.
- صفائی حائری، علی، بشنوازنی، قم، لילה القدر، ۱۳۸۴ ش.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
- طوسی، محمد بن الحسن، المصباح المتجهد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
- _____، الرسائل العشر، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، دارالهجره، ۱۴۲۵ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
- کورانی عاملی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدي علیه السلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، بیروت، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۲ ق.

